

کدام حکومت اولین قانون اساسی ایران را نوشت؟

امروز هشتم دی ماه، صد و چهاردهمین سالگرد ابلاغ نخستین قانون اساسی ایران معروف به قانون مشروطه است



امروز هشتم دی ماه، صد و چهاردهمین سالگرد ابلاغ نخستین قانون اساسی ایران معروف به قانون مشروطه است، همان قانونی که به گفته بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیتی بود که می شد در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن الهام گرفت.

به گزارش ایسنا، ارسطو فیلسوف شهیر یونانی نخستین کسی بود که بین قانون اساسی و قوانین عادی تفاوت قائل شد با این پیش فرض نخستین قانون اساسی مشرق زمین در سال 1254 شمسی و در زمان سلطنت عبدالحمید دوم، سی و چهارمین خلیفه امپراتوری عثمانی و به قلم مدحت پاشا و گروهی از متفکران عصر عثمانی برای مشروطه کردن حکومت مطلقه سلطنتی نوشته شد، 31 سال بعد در عصر پنجمین شاه سلسله قاجاریه وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور به مرحله ای رسید که مظفرالدین شاه مجبور به امضای اولین قانون اساسی ایران معروف به قانون مشروطه شد.

غلامرضا زرگری نژاد تاریخ نگار و استاد تاریخ دانشگاه تهران در کتاب «قانون حکومت ایران سومین قانون اساسی عصر ناصری» مدعی شد رگه های اولین قانون اساسی در ایران در عصر ناصری رویت شد. وی در این کتاب نوشت: در دوره 48 ساله حکومت ناصرالدین شاه بر ایران سه بار قانون اساسی نوشته شد. این قانون ها اگر چه عنوان قانون اساسی نداشتند اما در عمل به منزله قانون اساسی تلقی شدند.

به گفته این استاد تاریخ دانشگاه تهران نخستین قانون حکومت ایران توسط میرزا ملکم خان در سال های آغازین تمایلات ناصرالدین شاه به اصلاح طلبی نوشته و برای میرزا جعفرخان مشیرالدوله، رییس دولت فرستاده شد و براساس آن تعداد وزارتخانه ها ۸ وزارتخانه تعیین شد.

قانون اساسی دوم با عنوان «لایحه تشکیل دربار اعظم» در مهر ۱۲۵۱ شمسی توسط میرزا حسین خان مشیرالدوله تقدیم ناصرالدین شاه شد و شاه نیز 8 روز بعد آن را به رسمیت شناخت و برای اجرا ابلاغ کرد.

سومین قانون اساسی عصر ناصری از دو قانون پیشین ناشناخته تر بود. به گفته زرگری نژاد «از نام و نشان نویسنده یا تنظیم کنندگان این قانون نامه یا دستورالعمل اطلاعی در دست نداریم اما ظن غالب آن است که این قانون در اواخر دوره تمایلات ناصرالدین شاه به اصلاح دستگاه دولت و پایان عصر میرزا حسین خان مشیرالدوله و چند سال بعد از تنظیم قانون اساسی دوم، تنظیم شده باشد، چه اینکه از انعکاس آن در روزنامه ها و منابع قاجاری خبری نیست و تنظیم کنندگان این قانون برای آن نامی نگذاشتند.»

استاد تاریخ دانشگاه تهران بر اساس محتوای این قانون نام آن را «قانون حکومت ایران» گذاشت. این قانون پس از افزایش ۱۲ وزارتخانه به ۱۵ وزارتخانه نوشته شد. (2)

پس از مرگ ناصرالدین شاه و در پی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی قانون اساسی مشروطه با 51 اصل توسط اولین مجلس شورای ملی نوشته شد و به امضای مظفرالدین شاه رسید. وی که چند ماه بیشتر از یک دهه بر ایران سلطنت کرده بود، 10 روز پس از امضای این قانون، چشم از دنیا فروبست و فرصت رفع ایرادات ماهوی و شکلی آن را پیدا نکرد. از سوی دیگر نظر مراجع و روحانیون این بود که قانون مذکور باید با شرع مقدس اسلام تطبیق داده شود.

قانون مشروطه بعد از موفقیت مشروطه خواهان در گرفتن فرمان مشروطه با عجله تهیه شد و بیشتر به طرز کار دو مجلس شورای ملی و سنا مربوط بود علاوه بر آن هیچ اصلی از اصول آن رابطه حکومت و حقوق ملت را مشخص نکرده بود.

تطبیق قانون اساسی با شرع مقدس اسلام از ابتدای نوشته شدن قانون مطرح بود به خصوص در چند اصل قانون صورت جدی تری به خود گرفت حتی در برخی جلسات فوق العاده از برخی مراجع تقلید از جمله آیت الله شیخ فضل الله نوری

محمدعلی شاه از ابتدای تاجگذاری و نشستن بر تخت سلطنت بر علیه مجلس شورای ملی و مشروطه خواهان اقدام کرد. هدف وی این بود که مجلس شورای ملی، مجلس فرمایشی و بله قربانگو باشد و صرفاً قانونگذار باشد و در جامعه نمود دیگری از مشروطه نداشته باشد و این درست برعکس خواسته مشروطه خواهان بود. آنان خواهان مشروطه پارلمانی بودند. (4)

مجلس به واژه مشروطه تأکید داشت، ولی محمدعلی شاه می گفت ما دولت اسلامی هستیم و سلطنت مشروعه باشد، ولی مشروطه خواهان می گفتند ما مشروطه پارلمانی سکولار هستیم مانند اروپا. کشاکش مشروطه خواهان و مشروعه طلبان اوج گرفت تا این که با پافشاری شیخ فضل الله نوری و روحانیون همفکر ایشان یک اصل به متمم قانون اساسی تحت عنوان اصل دوم که بعدها به اصل نوری معروف شد به متمم قانون اساسی اضافه شد. (5)

اصل دوم متمم قانون اساسی که به اصل طراز هم معروف بود هیچ گاه اجرا نشد و شاید به همین سبب بود که در جریان بحران سال ۱۳۴۲ امام خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی از محمدرضا شاه خواست تا این اصل را اجرا کند. (6)

اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه به این شرح بود: رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیاتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه، اسامی 20 نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند، پنج نفر از آن ها را یا بیشتر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلس عنوان می شود به دقت مذاکره و غور رسی نموده. هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح یا رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیات علما در این باب مطاع و بتبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عصر عجل الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود.

با تداوم پافشاری علما بر لزوم تطبیق قانون اساسی مشروطه با شرع مقدس اسلام، متمم قانون اساسی 9 ماه بعد توسط اعضای کمیسیون تکمیل قانون اساسی متشکل از جواد سعیدالدوله، سید حسن تقی زاده، محمود مشاورالملک، محمدحسین امین الضرب، سید نصرالله تقوی و صادق مستشارالدوله در 107 اصل نوشته شد. این متمم در حقیقت قانون اساسی بازنویسی شده با 56 اصل اضافه تر در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۸۶ شمسی بود که بر اساس قانون اساسی دو کشور فرانسه و بلژیک نوشته شد و به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. (3)

شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انتخاب مجلس خبرگان قانون اساسی در 12 مرداد 1358 کار بررسی و تصویب قانون اساسی پیشنهادی در این مجلس آغاز شد. این مجلس در 67 جلسه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با اضافه کردن ولایت فقیه به قانون در 12 فصل و 175 اصل و یک مقدمه و مآخره به پایان رساند و متن نهایی دو روز بعد در روزنامه کیهان منتشر شد و در 12 آذر 1358 به رای عمومی مردم گذاشته شد و با رای 99.5 درصد واجدان شرکت در رای گیری به تصویب رسید.

این قانون در سال 1368 بازنگری شد و دو اصل جدید به آن اضافه شد و در 6 مرداد 1368 به همه پرسى مجدد مردم گذاشته شد. در حال حاضر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای 177 اصل است که در یک مقدمه و 14 فصل گنجانده شده است.

قانون مشروطه و امام خمینی

در مقطع زمانی تدوین قانون اساسی مشروطه، نمایندگان مجلس شورای ملی برای جلوگیری از بازگشت استبداد به کشور، هیچ اصل یا شکافی برای بازنگری در قانون پیش بینی نکردند تا این اصل زمینه ساز تغییر قانون اساسی توسط رضا شاه نباشد. با این حال، رضاخان برای هموار کردن مسیر قانونی برای به قدرت رسیدن با اعمال نفوذ در روند برگزاری انتخابات و فرستادن نمایندگان متمایل به خود به این مجلس، با اصلاح قانون زمینه به سلطنت رسیدن خودش را به وجود آورد. همین روند در دوره محمدرضا نیز ادامه یافت به طوری که وی در سال 1328 با تشکیل مجلس مؤسسان هم اختیار انحلال مجلس شورای ملی و مجلس سنا را به دست آورد و هم مصوبات مجلس مؤسسان را مشروط به موافقت شاه کرد البته این مجلس بار دیگر در سال 1346 تشکیل جلسه داد و مادر ولیعهد را به صورت مشروط نایب السلطنه انتخاب کرد.

امام خمینی(ره) با توجه به شناختی که از قانون اساسی مشروطه داشتند، با استناد به این قانون، درصدد نشان دادن عدم پابندی پهلوی ها به قانون بودند. ایشان در این باره گفتند: «قانون اساسی دو مرحله داشته است: مرحله پیش از کودتای رضا خان. در آن وقت طوری بود که ایرانی‌ها و مسلمین نمی توانستند طرح حکومت اسلامی را بدهند. از این جهت برای تقلیل ظلم و استبدادهای قاجار و پیش از قاجار، بر این شدند که قوانین وضع شود و سلطنت به صورت سلطنت مشروطه درآید. در عین حال در قوانین پیش‌ازین، بین این مسائل شده است. تمام مسائلی را که الآن ما مطرح می‌کنیم، می‌توانیم به متمم قانون اساسی استناد کنیم... مرحله‌ای بود که پس از کودتای رضا شاه انجام گرفت و به قانون اساسی اضافه شد. در آن وقت ... رضا شاه با قدرت سرنیزه و قلدری، قانون اساسی را تغییر دهد و یک مجلس مؤسسان با زور و قلدری تأسیس کرد و ملت به هیچ وجه با او موافق نبود. در مجلسی که ملت هیچ گونه دخالتی در آن نداشت، موادی از قانون اساسی را تغییر داد، سلطنت قاجار را منقرض و سلطنت پهلوی را تصویب نمود. بنابراین، قانون اساسی در مرحله اول با حفظ متمم آن، برای همین مسائلی که ما طرح کرده‌ایم می‌تواند مستند ما باشد. در مرحله دوم، مسأله سلطنت رضا شاه و سلسله پهلوی اصلاً قانونیت نداشت و این سلسله بر خلاف قانون اساسی بر این مملکت تحمیل شده است...» (صحیفه ی امام، ج 4، ص 429)

استناد مکرر امام (ره) به قانون اساسی مشروطه

امام خمینی در دوران مبارزات خود، بارها با استناد به قانون اساسی، اقدامات غیرقانونی محمدرضا پهلوی را افشا کردند. ایشان گفتند: «اگر به قوانین اساسی، به قانون اساسی شما اتکا دارید، قانون اساسی مردم را آزادی داده ... از این زورگوییها قانون منع کرده است. ما می‌گوییم شما آقا بیاید به قانون عمل کنید... قانون اساسی مطبوعات را آزاد کرده است، شما آزاد می‌کنید؟ ما مرتجعیم که می‌گوییم بگذارید به قانون اساسی عمل بشود...» (صحیفه امام، ج 1، ص 288)

یکی دیگر از مقاطع زمانی که ایشان با استناد به قانون اساسی، با اقدام غیرقانونی شاه مبارزه کردند، تشکیل حزب رستاخیز و اجبار مردم برای ثبت نام در این حزب بود. در این زمان، امام با استناد به قانون اساسی اعلام کردند که شاه حق چنین اقدامی و تهدید آزادی های درج شده در قانون اساسی را ندارد.

ایشان بیان کردند: «شاه از مشروطه و قانونی اساسی دم می زند، در صورتی که خود او در رأس مخالفان قانون اساسی و مشروطیت، اساس مشروطه را از بین برده که نمونه بارز آن مصاحبه و جنجال اخیر است؛ اجبار ملت به ورود در حزب رستاخیز، نقض قانون اساسی است.» (7)

نگاه به سیره مبارزاتی امام (ره) نشان می دهد ایشان با تمام انتقاداتی که به قانون اساسی مشروطه داشتند، باز اجرای درست آن مانع دیکتاتوری شاه می دانستند به همین دلیل همواره خواستار اجرای قانون اساسی مشروطه بودند.

رهبر فقید انقلاب اسلامی همچنین در کتاب «کشف الاسرار» ضمن استناد کردن چندباره به قانون اساسی مشروطه، اجرای آن را راهی برای مهار استبداد و اجرای احکام اسلام می دانستند. امام در این باره باره گفتند: «می گوییم حکومت باید با قانون خدایی که صلاح کشور و مردم است اداره شود و این بی نظارت روحانی صورت نمی گیرد. چنانچه قانون اساسی مشروطه نیز این امر را تصویب و تصدیق کرده است.» (8)

امام خمینی(ره)، در دوران نهضت و مبارزه نیز بارها و بارها با استناد به متمم قانون اساسی مشروطه، نبودن پنج نفر از مجتهدان در مجلس شورای ملی و تأیید نکردن قانون های مصوب این مجلس را غیرقانونی می دانستند. ایشان تأکید داشتند: «یکی از مواد قانون اساسی این است که باید پنج نفر از مجتهدان در مجلس نظارت کنند که مبدا احکامی که این ها صادر می کنند بر خلاف حکم شرع باشد. متمم قانون اساسی این است. پس از مشروطه، مردم را بازی دادند. متمم قانون اساسی را قبول کردند، لکن وقت عمل، عمل نکردند به متمم قانون اساسی؛ یعنی پنج نفر مجتهد را در مجلس نیاوردند.» (9)

ایشان حتی در مقطع بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی بر این باور بودند با حذف اصول مخالف اسلام از قانون اساسی مشروطه می توان قانون اساسی جمهوری اسلامی را نوشت. ایشان بیان کردند: «در همین قانون اساسی فعلی هم که هستش، متمم قانون اساسی می گوید هر قانونی که بر خلاف قوانین شرعی باشد قانون نیست. ما هم همین را می خواهیم درستش کنیم، منتها عمل نشده، ما می خواهیم عمل کنیم.»

1- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

2- زرگری نژاد، غلامحسین ۱۳۸۲، قانون حکومت ایران، سومین قانون اساسی عصر ناصری، دانشگاه تهران، ص ۱۱۱ و ۱۲۸

3- نجفی م، فقیه حقانی م. تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران؛ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱

4- احمد کسروی: تاریخ مشروطیت ایران، ص. ۲۱۷

5- عبدالعلی معصومی: تاریخ ایران زمین _ انقلاب مشروطه، فرانسه، ۱۳۸۵، ص. ۶۸ و ۷۴

6- حکومت مطلقه، مشروطیت و جمهوریت (به قلم دکتر مجید محمدی) برگ 19

7- بی نام، امام(س) و قانون اساسی مشروطه، مجموعه آثار، کنگره امام خمینی(س) و اندیشه ی حکومت اسلامی، جلد 4، 1378، ص 286.

8- علی اصغر توحیدی، قرائت امام خمینی از سیاست، پژوهشکده امام خمینی، 1381، ص 190.

9- تاریخ معاصر ایران از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ دوم، 1378، ص 69.